

بررسی جامعه شناختی احساس امنیت جنسی زنان

مریم نجار نهاوندی^۱ اعظم آهنگر سلابتی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۱۵

چکیده

موضوع امنیت از مهمترین و قدیمترین موضوعات مربوط به زنان است. این تحقیق به مطالعه احساس امنیت در میان زنان می‌پردازد. سوالات اصلی این تحقیق از این قرارند: احساس امنیت جنسی زنان پایتخت نشین کشور چگونه قابل تبیین است؟ چند درصد از زنان در محیطهای عمومی احساس امنیت می‌کنند؟ و تجارب اولیه زندگی زنان بر این احساس امنیت چه تأثیری دارد؟ نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که منطقه محل سکونت، مدت زمان بیرون ماندن از خانه، تأهل، نوع شغل، جامعه پذیری و خاطرات گذشته افراد بر میزان احساس امنیت در بانوان تأثیر بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: احساس امنیت، زنان، امنیت جنسی، شهر تهران

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، nahavandi@ut.ac.ir

^۲ - محقق مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و دانشجوی دکتری جامعه شناسی

مقدمه

زنان و موضوعات مربوط به آنان برای حکومت‌ها، سیاستگذاران، فعالان حقوقی و نیز پژوهشگران اهمیت ویژه‌ای یافته است. در دوران معاصر، زنان نه تنها نیمی از جامعه و نیروی مولد را تشکیل می‌دهند، بلکه نظم نوین جهانی به گونه‌ای است که جهت‌گیری دولت‌ها در برابر زنان و دیدگاه‌های جنسیتی آنها در برنامه‌ریزی‌های کلان می‌تواند مشروعیت حکومت‌ها را متزلزل کند.

موضوع «امنیت» از مهمترین و قدیمترین موضوعات مربوط به زنان است. امنیت زنان، چنان دامنه گسترده‌ای از باورها و رفتارهای متفاوت را ایجاد می‌کند که اندیشمندان سیاست، حقوق، بهداشت و درمان، فرهنگ و هنر، دین و اقتصاد را بر سر دوراهی‌های انتخاب به تفکر واداشته و بیش از یک سده موضوع بحث‌های فراوان قرار گرفته است. امنیت مقوله‌ای است که امکان حضور بی‌دغدغه زنان را در عرصه‌های کار و فعالیت آماده می‌کند، هرچند قضیه «عدم امنیت» بانوان صبغه تاریخی داشته و این واقعیت که زنان، آسیب دیده مردان هستند تا دهه هفتاد پوشیده مانده بود (ابوت والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹). خشونت در سطوح مختلف فرهنگی رخ می‌دهد و به طبقه خاصی اختصاص ندارد. اعمال این خشونت‌ها، افزون بر ایجاد عوارض جسمی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون افزایش موارد فرار از خانه، افزایش میزان خودکشی، و خودسوزی زنان، همسرکشی و بیماری‌های روحی روانی چون افسردگی را به دنبال دارد.

روزانه اخبار بسیاری در مورد آزارهای جنسی زنان در اماکن عمومی می‌شنویم. زنها در گفتگوهای دوستانه خود خاطرات زیادی را از انواع و اقسام آزارهای کلامی و غیر کلامی تعریف می‌کنند ولی هیچ آمار و ارقامی درستی در این خصوص وجود ندارد و آمار خشونت، منعکس کننده واقعیت نمی‌باشد (ایمانیان، ۱۳۸۶، ص ۶۳). چرا که اکثر بانوان این گونه مسائل را مخفی می‌کنند و نادیده می‌گیرند. نبود آمار و ارقام صحیح، دلیلی برای عدم وجود این مشکل نیست زیرا بعنوان مثال در طی پنج ماه اول سال ۱۳۸۳، با اعلام زنان و خانواده‌ها، حدود ۳۴ هزار نفر از مزاحمین خیابانی توسط نیروی انتظامی استان تهران دستگیر شدند (رویانیان، ۱۳۸۳).

این معضل اجتماعی پیامدهای منفی زیادی برای زنان، دختران و همچنین خانواده‌ها دارد. بنابراین کند و کاو در این موضوع جهت شناخت ابعاد پیچیده مسئله می‌تواند در مداخله و کاهش تبعات آن کمک مؤثری کند. به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی، ظرفیتهای فردی، آسیب‌پذیری‌ها و توانمندیهای زنان ریشه در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ما دارد. چنین عواملی موجب شکل‌گیری ویژگیهای متفاوت دو جنس می‌شود. برای مثال فردیت زنان و عزت نفس آنان رابطه تنگاتنگ دارد (آکوچکیان ۱۳۸۲، ص ۲۰).

سوالی که مطرح می‌شود این است که احساس امنیت جنسی زنان شهر تهران چگونه قابل تبیین است؟ این سوال سوالات دیگری را به ذهن متبادر می‌سازد؛ نظیر این که چند درصد از زنان تا کنون در محیطهای عمومی احساس امنیت نمی‌کند؟ چند درصد از زنان ممکن است مورد تعرض جنسی (کلامی یا جسمی و...) قرار گرفته باشند و شدت این تعرض چقدر است؟ آیا تجارب زنان در دوران اولیه زندگیشان در این احساس امنیت تأثیر دارد؟ و والدین چقدر تلاش می‌کنند تا به فرزندان دختر خود در خصوص آسیبهای جنسی که در محیطهای عمومی آنها را تهدید می‌کند آگاهی لازم را بدهند؟

جهت پاسخگویی به این سوالات از دیدگاه استانکو در خصوص ترس از وقوع جرم در زنان استفاده شد. استانکو در خصوص ترس از جرم تحقیقاتی انجام داده و معتقد است که به ترس از وقوع جرم در زنان (ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن) سه برابر مردان است. وی دلایل این امر را توان جسمی زنان، تجارب اولیه زندگی، وظایف مادری، ترس از دنیای بیرون و ترس معقول آنها می‌داند. زنان عموماً از نظر توان جسمی در سطحی پایین‌تر از مردان قرار دارند و این امر در نزاعها و درگیریها باعث می‌شود که در بیشتر موارد مغلوب باشند تحقیقات استانکو نشان می‌دهد احساس ترس از جرم در زنان به طور قابل توجهی با احساس زنان نسبت به قدرت بدنیشان ارتباط دارد. به طوری که با افزایش احساس توان قدرت بدنی احساس ترس از وقوع جرم در زنان کاهش می‌یابد.

یکی دیگر از متغیرهایی که در خصوص احساس ترس از وقوع جرم در زنان توسط استانکو مورد سنجش قرار گرفته است، تجارب اولیه زندگی می‌باشد. اگر زنان در دوران کودکی توسط کسی مورد هتک حرمت قرار گرفته شده باشند یا کسی از اعضای خانواده و یا نزدیکان ایشان مورد تجاوز قرار گرفته باشند یا اخباری از این دست شنیده باشند در دوران

بزرگسالیشان میزان احساس ترس از وقوع جرم در مورد آنها افزایش می یابد و بیشتر احساس ناامنی می کنند.

مادران بیشتر از سایر اعضای خانواده خود را موظف به حفظ و نگهداری از کودکان خود می دانند. بنابراین تلاش می کنند برای اجتناب از آسیب رسیدن به کودکانشان کمتر در معرض وقوع جرم قرار گیرند. این موضوع در تحقیقات استانکو مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که هرچه زنان در خصوص وظیفه مادری خود بیشتر احساس وظیفه کنند، میزان ترس از وقوع جرم در آنها بیشتر می شود.

به طور خلاصه تحقیقات استانکو نشان می دهد که :

- ۱- زنان به لحاظ جسمانی توان کمتری در دفاع از خود دارند
- ۲- در زنان گرایش فزاینده برای به یاد آوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترس شان به سایر موقعیت های زندگی وجود دارد.

۳- نگهداری و حفاظت از کودکان زنان را بیشتر مستعد ترس از وقوع جرم می کند.

۴- زنان کنترل کمتری بر حیطه خصوصیشان دارند از این رو بیشتر می ترسند.

۵- زنان نسبت به سایر انواع آسیب بستر در معرض تعرض جنسی قرار دارند از این رو به خطراتی که با آن مواجه می شوند عکس العمل واقع گرایانه ای نشان می دهند.

۶- زنان همواره با ترس از دنیای بیرون جامعه پذیر می شوند. سطح ترس زنان معقول

است ولی مردان تمایل دارند ترسهای خود را طبیعی جلوه دهند (استانکو، ۱۹۹۲).

با توجه به دیدگاه استانکو در خصوص احساس امنیت جنسی بانوان تهرانی می توان گفت امنیت، تابعی از منطقه مسکونی، مدت زمانی که بانوان بیرون از منزل سپری می کنند، تأهل، شغل، نوع منزل مسکونی، سن، منطقه مسکونی، احساس وظیفه و میزان آگاهی که افراد در دوران کودکی از والدین خود گرفته اند، باشد. در این تحقیق، احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و مابقی تحت عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده اند.

روش استفاده شده جهت پاسخ به سوالات مطرح شده روش تحقیق کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه است. از ۱۲۰ نفر زن جوان (بین ۱۵ تا ۳۵ سال) ساکن شهر تهران به صورت تصادفی در دو منطقه ۳ و ۱۶ با روش نمونه گیری تصادفی، اقدام به جمع آوری اطلاعات شده است.

وضعیت احساس امنیت زنان تهرانی

یافته‌های تحقیق حاکی از این است که احساس امنیت زنان شهر در معابر عمومی در حد متوسط و رو به بالاست؛ به طوری که ۵۲/۵ درصد میزان امنیت خود را در حد متوسط، ۲۰ درصد، زیاد و ۵ درصد نیز خیلی زیاد گزارش کرده‌اند (جدول شماره ۱). این قضیه در مورد وسایل نقلیه عمومی و محل کار نیز صدق می‌کند؛ احساس امنیت در این اماکن متوسط و روبه بالا بوده و تعداد کمی احساس ناامنی می‌کنند. موارد مربوط به احساس امنیت در منزل دوستان و آشنایان، اقوام و در میهمانی‌ها نیز در جدول ۱ آمده است.

نمره‌ای که افراد به توان جسمانی شان می‌دهند، در آزمون با احساس امنیتشان نتیجه معنی‌داری نمی‌دهد اما همان افراد در پاسخ به این سوال که «به نظر شما توان جسمانی زنان چقدر می‌تواند در احساس امنیتشان در معابر عمومی تأثیر داشته باشد؟» در ۵۰ درصد موارد زیاد، ۳۲ درصد متوسط و فقط ۱۲/۵ درصد پاسخ کم داده‌اند.

جدول شماره ۱: میزان احساس امنیت در مکان‌های مختلف (درصد)

عنوان	معابر عمومی	وسایل نقلیه عمومی	محل کار	منزل دوستان و آشنایان	منزل اقوام و فامیل	میهمانیها
خیلی زیاد	۵	۲۷/۵	۱۲/۵	۴۵	۶۵	۴۷/۵
زیاد	۲۰	۳۲/۵	۵۵	۲۲/۵	۱۵	۳۲/۵
متوسط	۵۲/۵	۳۲/۵	۷۲/۵	۲۵	۱۷/۵	۱۷/۵
کم	۵	۲/۵	۰	۰	۰	۰
خیلی کم	۱۵	۵	۰	۰	۰	۰
بدون پاسخ	۲/۵	۰	۵	۷/۵	۲/۵	۲/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۲: میزان تجربه تعرض (درصد)

عنوان	متلکهای زننده	لمس اعضای بدن	نگاههای معنی دار
اصلا	۷/۵	۵۷/۵	۲۲/۵
خیلی کم	۲۵	۲۰	۲۰
کم	۱۲/۵	۵	۱۲/۵
متوسط	۲۷/۵	۵	۱۵
زیاد	۱۵	۲/۵	۱۲/۵
خیلی زیاد	۵	۱۰	۷/۵
بدون پاسخ	۷/۵	۱۰۰	۱۰
جمع	۱۰۰	۵۷/۵	۱۰۰

واکنش زنان نسبت به هر یک از انواع تعرض جالب توجه است؛ به طوری که هرچه از حالت غیر فیزیکی خارج شده و به حالت فیزیکی نزدیک می شود، عکس العمل‌ها نیز تند تر می شود به طوری که ۷۲/۵ درصد در مقابل نگاههای معنی دار، ۶۲/۵ درصد در مقابل متلکهای زننده و فقط ۱۲/۵ درصد در مقابل لمس اعضای بدن سکوت می کنند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: واکنش افراد در برابر تعرض (درصد)

عنوان	نگاههای معنی دار	متلکهای زننده	لمس اعضای بدن
سکوت	۷۲/۵	۶۲/۵	۱۲/۵
ناسزا می گویم	۵	۷/۵	۲۲/۵
زنگ باختن و اخم کردن	۵	۱۷/۵	۱۷/۵
برخورد یا ضرب و شتم	۵	-	۳۲/۵
بدون پاسخ	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

آنچه ما انسانها در بزرگسالی انجام می‌دهیم، نتیجه جامعه‌پذیری ماست و یکی از وظایف والدین آگاهی دادن در خصوص آسیبهای جنسی در محیطهای عمومی به فرزندان دختر خود است. ۶۱ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که در دوره کودکی خود توسط والدین از خطرات جنسی اطراف خود آگاه شده‌اند و در بین این ۶۱ درصد، ۲۷/۵ درصد خیلی زیاد، ۱۵ درصد زیاد و ۱۵ درصد متوسط و ۷/۵ درصد نیز کم توسط والدینشان آموزش دیده‌اند (جدول شماره ۴ و ۵).

جدول شماره ۴: آگاهی در دوران کودکی از خطرات جنسی توسط والدین

عنوان	فراوانی	درصد
بلی	۷۸	۶۱
خیر	۴۲	۳۹
بدون پاسخ	۳	۲/۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰

جدول شماره ۵: میزان آگاهی دادن والدین در خصوص خطرات

عنوان	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۳۳	۲۷/۵
زیاد	۱۸	۱۵
متوسط	۱۸	۱۵
کم	۹	۷/۵
بدون پاسخ	۴۲	۳۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰

جدول شماره ۶: نتایج آزمون فرضیه ها

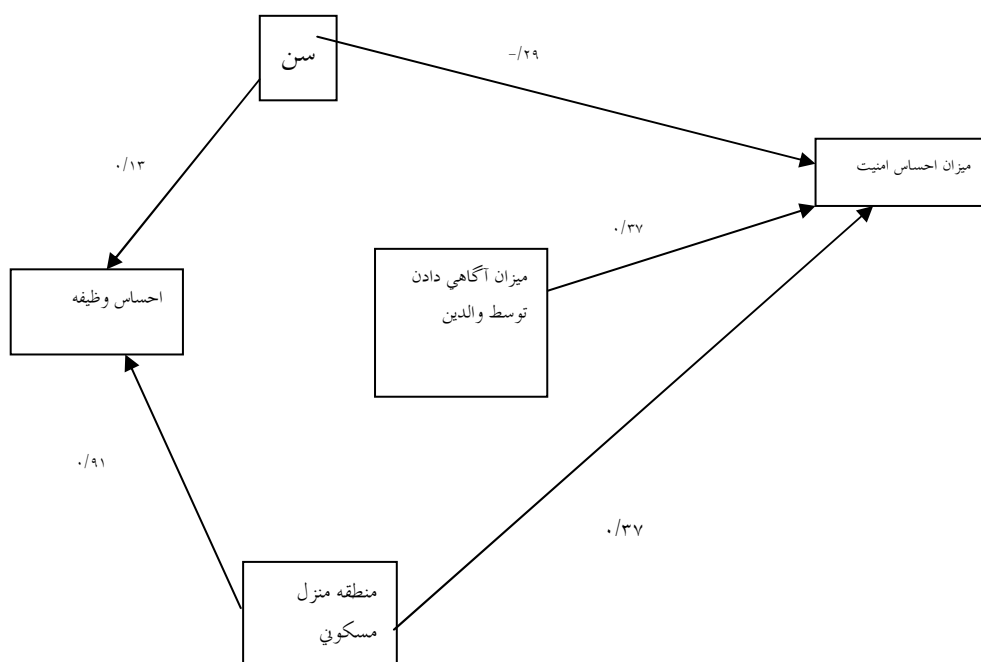
نتیجه		نوع آزمون	متغیر مستقل	متغیر وابسته
درصد خطا	ارزش عددی			
۰/۰۱	-/۲۵۳	F	منطقه مسکونی	احساس امنیت
۰/۰۰۲	-/۲۹۸	F	مدت زمانی که بیرون از منزل سپری می کنند	
۰/۰۰۰۱	۲۱/۰۲	X ²	تأهل	
۰/۰۰۰۱	۰/۳۱	Cramer V		
۰/۰۰۰۱	۴۳/۵	X ²	وضعیت اشتغال	
۰/۰۰۰۱	۰/۴۵	Cramer V		
۰/۰۰۰۱	۲۸/۴۳	X ²	نوع منزل مسکونی	
۰/۰۰۰۱	۰/۵۲	Cramer V		
۰/۰۷	۸/۴۱	X ²	سن	
۰/۰۰۰۱	۰/۲۰	Cramer V		
۰/۰۰۴	۱۵/۳	X ²	احساس وظیفه	
۰/۰۰۴	۰/۲۷	Cramer V		
۰/۰۲	۱۴/۶	X ²	میزان آگاهی دادن توسط والدین	
۰/۰۲۳	۰/۳۲	Cramer V		

آزمون فرضیه نشان می دهد که منطقه مسکونی، مدت زمانی که افراد بیرون از منزل هستند، تأهل، وضعیت اشتغال، نوع منزل مسکونی، احساس وظیفه و میزان آگاهی دادن توسط والدین در دوران کودکی با میزان احساس امنیت بانوان رابطه معنی داری را نشان می دهد. در میان متغیرهای وارد شده فقط سن رابطه معنی داری را نشان نداده است.

نگاهی به عوامل نهایی تاثیر گذار بر احساس امنیت

با عنایت به مدل نهایی تحقیق، می توان نتیجه گرفت که دو متغیر نوع منزل مسکونی، میزان آگاهی دادن توسط والدین به طور مستقیم و فزاینده بر میزان احساس امنیت تأثیر داشته-اند؛ یعنی افرادی که در شمال شهر زندگی می کنند و افرادی که در دوران کودکی به آنها

آگاهی لازم داده شده باشد، احساس امنیت بیشتری می‌کنند. عامل سن نیز بر میزان احساس امنیت تأثیر معکوس داشته و با افزایش سن میزان احساس امنیت بانوان کاهش می‌یابد. احساس وظیفه نیز به طور غیر مستقیم تأثیر گذار است؛ به طوری که منطقه منزل مسکونی اگر در جنوب شهر باشد با افزایش احساس وظیفه در مادران همراه است و افزایش سن نیز باعث افزایش احساس وظیفه مادران می‌شود. با بالا رفتن احساس وظیفه در مادران میزان احساس امنیت جنسی آنها کاهش می‌یابد. (برای وضوح بیشتر به نمودار ذیل توجه فرمائید)



نتیجه گیری

آزمون فرضیات نتایج جالب توجهی ارائه می‌دهد (جدول شماره ۶). به طور خلاصه می‌توان گفت افراد مناطق مسکونی جنوب شهر نسبت به مناطق شمال شهر احساس نا امنی بیشتری دارند. هرچه مدت زمانی که افراد در بیرون از خانه به سر می‌برند بیشتر می‌شود احساس امنیت آنها کمتر می‌شود. آنچه جلب توجه می‌کند این است که سن بانوان بر روی احساس امنیت آنها هیچ تأثیری ندارد و یا تأثیری ناچیز آنهم به صورت معکوس دارد. این تأثیر را می‌

توان در مدل رگرسیونی تحقیق مشاهده کرد؛ به طوری که با افزایش سن میزان احساس امنیت به اندازه ناچیزی کاهش می یابد.

و اما در خصوص تأهل باید به این نکته اشاره کرد که فرهنگ غنی ما در خصوص دوشیزگان تأثیر به سزایی روی میزان احساس امنیت آنها داشته است، به طوری که زنان متأهل بیشتر از دختران مجرد احساس امنیت دارند و در این خصوص رابطه معنی داری در آزمون فرضیه مشاهده می شود. جالب آنکه احساس وظیفه در خصوص خانواده تأثیر بسزایی در احساس امنیت دارد و هرچه احساس وظیفه در قبال خانواده، همسر، فرزند و بیشتر می شود، احساس امنیت کاهش می یابد. هرچه افراد در دوران کودکی بیشتر در مورد مسائل جنسی و خطرات ناشی از آن توسط والدین خود اطلاعات دریافت کرده اند و آگاه تر شده اند میزان احساس امنیت آنها افزایش یافته است. در نهایت باید گفت بانوانی که در محیطهای اداری دولتی کار می کنند و کارمند دولت هستند بیشتر از افرادی که کار پاره وقت داشته و یا در شرکت های خصوصی کار می کنند، احساس امنیت دارند.

در مورد محیطهای مسکونی می توان گفت زنان آپارتمان نشین در محیط خانه خود بیش از زنانی که در منزل شخصی زندگی می کنند، احساس امنیت جنسی دارند. شاید بتوان اینگونه تبیین کرد که محیط باز حیاط و در دسترس بودن محیط اطراف خانه های شخصی از احساس امنیت بانوان می کاهد.

منابع و ماخذ

۱. ابوت پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه تجم عراقی، تهران: نشر نی.
۲. آکوچکیان، ا. (۱۳۸۲) "گزارشی از منشور ملی زنان"، ریحانه، س ۱، ش ۴، ص ۲۱-۱۱.
۳. ایمانیان، الهه (۱۳۸۶) "خشونت خانگی علیه زنان"، چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بررسی مسائل اجتماعی جوانان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴. خطیبی مقدم، سمیه (۱۳۸۶) "آزار جنسی زنان"، چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بررسی مسائل اجتماعی جوانان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۵. راودراد، اعظم (۱۳۸۷) "مسائل اجتماعی زنان" در مسعود کوثری، ویراستار، اینترنت و آسیب های اجتماعی، تهران: انتشارات سلمان. صص ۹۲-۷۳

۶. سیف ربیعی و همکاران (۱۳۸۱) "همسر آزاری و عوامل موثر بر آن"، فصلنامه پژوهش زنان، ناشر مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دور اول شماره ۴، تهران. صص ۱-۱۵
۷. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۸) "جایگاه زنان و دختران در جامعه (مورد سیستان و بلوچستان)" دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، طرح تحقیقاتی به سفارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)
۸. میر حسینی، زهرا (۱۳۸۷) "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران"، استاد راهنما دکتر سهیلا صادقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
9. Stanko, Elizabeth (1992) Gender, personal softy and fear of crime, Women and Criminal Justice 4. Pp:117-135